



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب کنندم که چرا دل به تودام !
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

کتاب کرد و کردستان

نویسنده : واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دائمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

مترجم : محمد قاضی

1363

گردآورنده

سرهنگ چیا

ضمایم

ضمیمه شماره 3 به فصل دهم

نامهء شیخ محمود به رئیس شورای جامعهء ملل.

پاریس 21 مارس 1931 .

جناب آقای رئیس،

افتخار دارم مراتب شکوه و شکایت ملتی را به عرض آن جناب برسانم که خود آن حضرت او را تحت
قیمومیت و حمایت خود گرفته بودید، و گفته اند « آنکه قیم است حامی نیز هست». این ملت کرد است که

من بسیار مفتخرم یکی از افراد آن به شمار می‌روم و اکنون در قسمت جنوبی میهن بزرگ کرد که به عراق ملحق شده ساکن است.

من وظیفه خود می‌دانم توجه آن جناب را به این نکته جلب کنم که سرزمین کردستان منضم به عراق به هیچوجه مانند بین‌النهرین به تصرف هیچکدام از دول متحد یا متفق در نیامده بود. کردها به شخص خود در 1918 اسلحه به دست گرفتند و نیروهای ترک را ناگزیر ساختند که سرزمینشان را تخلیه کنند، اعلام استقلال کردند و دولتی تشکیل دادند که اداره کشور را به نام ((دولت کردستان جنوبی)) به دست گرفت. در آن زمان عراق دچار هرج و مرج شده بود و قوای متحدین و متفقین هنوز با هم در آنجا جنگ می‌کردند. از بخت بد ما کردها سرزمینمان بعداً به عراق ملحق شد و اروپا که ادعا می‌کرد برای دفاع از حق و عدالت اسلحه بدست گرفته است در برابر این ظلم فاحش ساکت ماند، ظمی که آینده و سرنوشت ملتی را اگر نه رسماً ولی عملاً دارای حکومت شده بود به سرنوشت ملت دیگری پیوند داده است که نژاد و آداب و سنن و تاریخ و زبان و عادات و رسوم و قیافه‌شان با هم متفاوت است. باز جای شکرش باقی بود که این ظلم فاحش با وعده‌ای که جامعه ملل در باره اعطای خودمختاری تام و تمام به کردستان جنوبی داده بود تا اندازه‌ای تخفیف پیدا کرده بود.

لیکن با اینکه از آن زمان تا به حال سالها از پی هم گذشته است نه تنها به این وعده وفا نشده بلکه برعکس، زندگی ما، و کودکان ما و پدران ما هر روز در معرض آتش بمبها و هواپیماهای بمب افکن و مسلسلها هستند، به جرم اینکه ما همچنان ابا داریم از اینکه عرب بشویم و همچنان چشم براه ایفای تعهداتی هستیم که نسبت به ما کرده اند.

دولت عربی عراق در بمباران کردن شهر سلیمانیه - پایتخت کردستان جنوبی - تردیدی به خود راه نداد و کردهای آنجا را کشته است به جرم اینکه از شرکت در انتخاباتی سرپیچیده اند که همان دولت میخواست است برای تصویب قراردادی انجام بدهد که همه حقوق حقه کردها را انکار میکند و کاخ امیدها و آرزوهای ایشان برای آینده را فرو میریزد. ما معتقدیم که این بمبها و این تیر مسلسلها که بر سر و تن قربانیان کرد ساکن کردستان جنوبی ریخته میشود در واقع حمله‌ای هم هست که به آبرو و حیثیت جامعه ملل می‌کنند، زیرا کردها تحت قیمومت آن جامعه یعنی تحت حمایت او هستند.

اگر نیروهای دولت عربی عراق متکی به هواپیماها و به سپاهیان دولت انگلیس نمی‌بودند که جامعه ملل قیمومت این سرزمینها را به او واگذاشته است تا آنها را به نام جامعه اداره کند تکرار تاریخ و حمله به بغداد و اشغال آن برای کردها از کارهای روزمره و سهل و سان می‌بود. ما آماده ایم و همیشه هم آماده خواهیم بود که از وطنمان در برابر اعراب دفاع کنیم، لیکن چون نمی‌خواهیم با دولت انگلیس که به نام آن جامعه محترم اقدام می‌کند درگیری مسلحانه پیدا کنیم ترجیح می‌دهیم به خود آن جامعه شکایت بیاوریم و خواهان اجرای حق و عدالت بشویم.

مسلمابا خواست اینکه میهن ما به عراق عرب ملحق بشود و با تلاش درراضی کردن ما به قبول این الحاق به زور اسلحه، به هیچ وجه صلح و امنیت که مطلوب آن جامعه محترم است در این بخش از دنیا تامین نخواهد شد. تا وقتی که سرنوشت میهن کرد به دست فرزندان سپرده نشود و تا زمانی که یک دولت

کرد اداره قسمت کردنشین این منطقه را به دست نگیرد نمی توان به تامین صلح و امنیت در آنجا امیدوار بود. کردها که سابقه تاریخی چند هزار ساله دارند و در ادوار پی در پی تاریخ همواره دانسته و توانسته اند از حیات و میهن و تاریخ و تاسیسات ملی خود دفاع کنند اکنون تصمیم گرفته اند در دفاع مسلحانه از خود و شرافت خود تا آخرین نفر بمیرند ولی سر به بندگی عربهای عراق نسپارند.

ما کردها می خواهیم با همه توده ها و همه ملتها دوست باشیم و نسبت به هیچ ملتی کینه در دل نداریم، لیکن نمی توانیم در برابر چنین ظلمی بی تفاوت بمانیم که استقلالی را که به بعضی از توده های بدوی افر-یقایی نظیر لیبریا داده اند از ملت ما که توانسته است با شجاعت و غرایز قهرمانی و هوش و فراست خود مقام شامخی در تاریخ ملتها بدست بیاورد دریغ بدانند، به ویژه که از چندی پیش دولت عربی عراق به پشت گرمی دولت انگلیس و با دچار شدن به تعصب افراطی نژادی می کوشد تا از راه توسل به خونین ترین اقدامات جنگی مقاومت ما را در هم بشکند.

صدها کرد که بدون اسلحه و بدون داشتن کوچکترین قصد تجاوز، تنها در پی این بوده اند که عقاید سیاسی خود را بیان کنند بیرحمانه با مسلسل و بمب درو شده اند، و امروز اگر کردان سلاح بدست گرفته اند گناه از همان تجاوزهای خونین و دور عدل و نصفت است.

حون و آتش برای دیگر گون کردن واقعیتهای تاریخی و برای تبدیل صدها هزار کرد نظیر صلاح الدین و کریم خان زند به عرب همواره ناتوان بوده اند و خواهند بود. ملت من و خود من به هیچ وجه شورشی یا متعصب مذهبی و تشنه خونریزی نیستیم و رگر اسلحه به دست گرفته ایم تنها به این جهت است که ما را وادار کرده و به این کار مجبور و محکوم نموده اند.

ما خواهان تسلط بر هیچ ملت و هیچ مملکتی نیستیم و نمی خواهیم آقا و ارباب کسی باشیم، ولی این را هم نمی پذیریم که دیگران بر ما مسلط باشند و یا بجز خودمان ارباب و آقا بالا سر داشته باشیم، و این خود آرمان و ایده آلی است که چندین هزار انسان به هنگام جنگ اخیر جان خود را در راه آن فدا کرده اند.

علاوه بر این، حقی هم هست که خود جامعه ملل در همین روزهای اخیر آن را برای ما شناخته و بر آن صحه گذاشته است.

اجازه بدهید موکدا به آن جناب خاطر نشان کنم که این حالت انقلابی که سوء نیت زمامداران عراق را بر انگیزته است پایان نخواهد یافت مگر وقتی که همه حقوق حقه کردان به رسمیت شناخته شود و مراعات گردد.

چیزی که ما خواستار آنیم شناسایی استقلال میهنمان یعنی « دولت مستقل کردستان جنوبی» تحت نظارتو مستقیم جامعه ملل و قطع و محو هر گونه وابستگی ما به دولت عربی عراق است. و تازه معاهده جدید منعقد بین انگلستان و عراق که با قیمومیت دولت انگلیس بر عراق خاتمه می دهد نشان دهنده این واقعیت است که راه حل پیشنهادی ما کاملا منطقی و اجتناب ناپذیر است.

جامعه ملل به ملاحظه ماهیت وقایع هم که شده باید به تصمیم خود که در 1925 اتخاذ کرده بود باز

گردد.

با تقدیم احترامات فایقه،

از طرف ساکنان کردستان جنوبی، شیخ محمود.

ضمیمهء شماره 4 به فصل دهم

نامه ای در بارهء اقلیتهای کرد

(به مدیر روزنامهء تایمز) از طرف مولف این کتاب

آقای محترم ادامه دارد

Chia.rabii@yahoo.com

2011-01-02

Malmö Sweden